

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

۲۹ جنوری، ۲۰۲۵

تحقیق و نگارش حامد نوید

لشکرگاه (لشکرې بازار)

این مضمون تحقیقی و برارنده که گوشه ای از سرزمین و مدنیت درخشان افغانستان عزیز را افشاء می نماید، یکبار دیگر با اضافاتی از جانب محقق با لستی از منابع معتبر دست داشته، دوباره درین وبسایت ملی اقبال نشر مییابد



کاخ باستانی لشکرگاه در حدود ۶ کیلومتری شمال شهر امروزی لشکرگاه، نزدیک به بُست تاریخی واقع است. این قصر در زمان غزنویان ساخته شد منیحت یک دژ نظامی عظیم در سمت شرق رود هلمند موقعیت داشت. لشکرگاه از نظر استراتژیک مهم بود. به این دلیل که این ناحیه بُست از زمان شاهان ساکه و پارت ها تا قرون وسطی (عصر اسلامی) از نگاه نظامی دارای اهمیت فراوان بود. در عهد غزنویان از حصار مستحکم لشکرگاه از نواحی قندهار تا زرنج، و ماورای آن اداره میشد.

هرچند حصار بُست در عهد سلطنت محمود بزرگ هنوز مورد استفاده نظامی بود و همچنان یک تفرجگاه سلطنتی شمرده میشد، اما در حدود سال ۹۷۶ پس از میلاد، مسعود اول پسر سلطان محمود، تصمیم گرفت تا برای تقویت بیشتر لشکریان خود این حصار عظیم را اعمار کند و نام لشکری بازار از همین وقت بر سر زبان ها افتاد و متداول گشت. اما لشکرگاه فقط یک پایگاه نظامی نبود، بلکه این قلعه شکوهمند مانند تمام قلعه های قرون وسطی دارای کاخ های مستحکم با بخش های مختلف از جمله اتاق های سلطنتی، حرم سراها، (بخش تفرجگاه زنان)، مراکز اداری و نظامی، دیوان های قضا و محل زندگی سربازان یعنی سپاهی خانه ها و اسطبل های وسیع برای نگهداری اسبها و فیل های رزمنده بود که شکوه و عظمت سلاطین غزنوی را حکایت میکرد.

در حصار باستانی لشکری بازار یا لشکرگاه کنونی خرابه هایی از عصر پارتها، ساکه ها و پهلوا ها بجا مانده که قدمت اولیه این قلعه شکوهمند را در اعصار پیش از اسلام نشان می دهد، اما بیشتر بناها مربوط به دوره غزنویان است که در قرن یازدهم و دوازدهم میلادی اعمار شده و برخی هم توسط پادشاهان غوری بنا یافته اند.

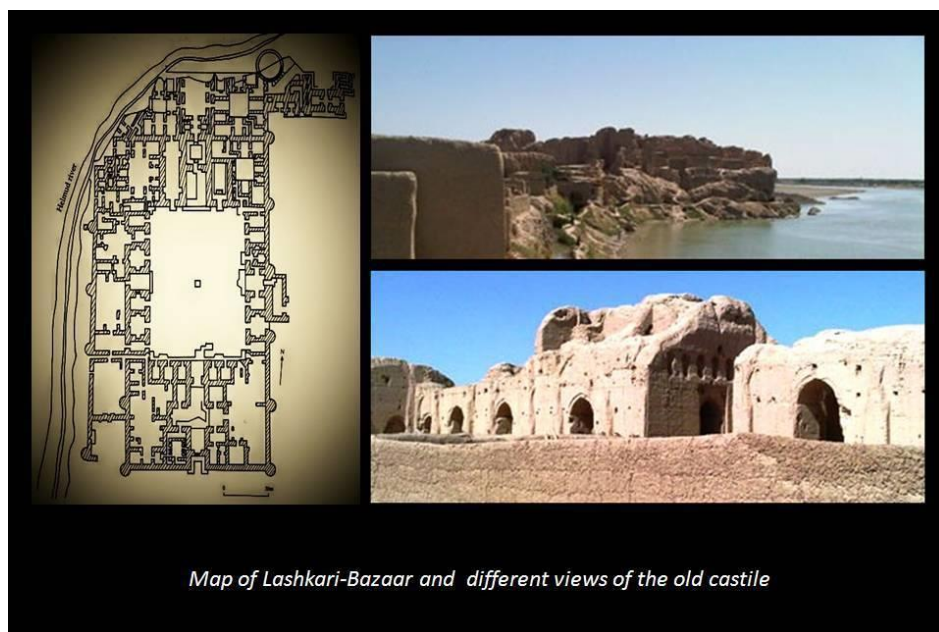
در داخل محوطه لشکر گاه هنوز بقایای کاخ زیبایی دیده میشود که مربوط به دوره سامانی ها ست و در قرن چهارم هجری مطابق به سده دهم میلادی اعمار گردیده است. محوطه قلعه باستانی لشکرگاه با سرای اصلی و کاخ های متعدد آن، ساحه وسیعی را به طول هفت کیلومتر از شمال تا جنوب در بر می گیرد که در امتداد ساحل رود هلمند بنا یافته است عرض این بنای عظیم تاریخی به ۶۰۰ متر بالغ میگردد.

با نگاهی به نقشه افتاده قلعه لشکرگاه در می یابیم که برجها و باروهای مجهز با تیرکش ها و سنگر بندیهای مستحکم در فواصل مساوی چهار طرف قلعه را احاطه نموده است.

سرای اصلی در محوطه مرکزی قرار دارد و در حدود ۱۲ حجره در شرق و غرب آن به چشم میخورد. همه درب های ورودی، با دالان های خاص خود به این محوطه بزرگ وصل میگردد. در محوطه وسیع قلعه لشکرگاه سه قصر وجود دارد که در ضلع غربی، مشرف به رود هلمند بنا یافته اند. هر سه کاخ از طریق راهروهایی که در زوایای جنوبی و شمالی صحن اصلی ساخته شده به سرای مرکزی راه دارد. دانیل شلوم برژه عضو برجسته هیئت باستان شناسی فرانسه (DAFA) هر سه کاخ لشکرگاه را در طی سالهای ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱ شناسایی کرد. این کاخها عبارت از کاخ شمالی، قصر مرکزی و کاخ جنوبی میباشد که در ارتفاعات تپه غربی ساخته شده و توسط دژ های مستحکمی محافظت می گردند.

کاخ شمالی :

پلان کاخ شمالی بر اساس شکل مستطیلی ۹۰ در ۱۰۰ متر طرح گردیده که تقریباً شبیه مربع است. ضلع شرقی و غربی بنا نسبت به اضلاع دیگر کمی بلندتر است. چهار رواق نعل اسب مانند متشکل از دو قوس متقاطع که در چهار گوشه کاخ ساخته شده ، جلوه دلپذیری به آن میبخشد. در واقع این رواقها برای استحکام بخشیدن به ساختمان کاخ بنا یافته اند. بعلاوه رواقهای اصلی، در کاخ شمالی در حدود ۱۵ رواق تزئینی وجود دارد که جلوه زیبایی دارد . این کاخ شکوهمند از زوایای شمالی و جنوبی به سرای اصلی راه دارد .دیوارهای بیرونی ، حویلی قصر را که زمانی پرگل و دارای نهال های زینتی بوده محافظت مینماید .



سه حویلی فرعی دیگر در این کاخ دیده میشود که به گفته شاعران و مورخان آن دوران با باغهای جذاب حوضچه های مرمرین ، فواره ها، و خیابان های سنگفرش مزین بودند. آنچه در مرحله نخست حفاریات باعث تعجب باستان شناسان گردید، آن بود که چگونه این باغ ها در داخل یک قلعه نظامی آبیاری می شدند. تا اینکه در سال ۱۹۵۲ شلوم برژه باستان شناس فرانسوی نخیره گاه بزرگ آبی را در فراز تپه شرقی کشف کرد که آب آن توسط ارد از دریای هلمند پُر میشد و جوی ها را پر آب میساخت. همچنان آبراه باریک خشتکاری در سراسر دیوارهای کاخ های لشکرگاه وجود دارد که حمام ها، آشپز خانه ها ، فواره ها و باغچه ها را آبیاری می نمود.

کاخ مرکزی :

کاخ مرکزی که کوچکترین کاخ از قصرهای سه گانه لشکرگاه میباشد، در حدود ۵۲ متر در ۳۵ متر وسعت دارد. شواهد تاریخی نشان می دهد که این کاخ در زمان فرمانروایی شاهان سامانی ساخته شده و شیوه ساختمانی آن مانند دوره غزنوی استادانه نیست. کاخ مرکزی یک ساختمانی دومنزه است که به چهار نیم دایره تقسیم میگردد. در این ساختمان متفاوت از شیوه معماری معمول، چهار دهلیز سرپوشیده بارواق نسبتاً مرتفع در تالار مرکزی به هم متصل می شوند و عجب اینست که این تالار بدون سقف اعمار گردیده و ساحه بزرگی را با فضای روشن احتوا میکند. شاید در روزهای افتابی و شبهای بدون بارندگی محافلی درین تالار برگزار میگردد که امرا و شهزادگان سامانی میزبان آن می بوده اند. در قصر مرکزی دهلیزهای متعددی برای اتصال بخشیدن قسمت های مختلف کاخ طراحی شده اند. در هر دو طبقه دالان های که از شمال به جانب جنوب ادامه دارند طولانی تر استند و همه به ایوان های کاخ ختم می شوند. دهلیز های که از شرق به غرب کشیده شده اند کوتاهتر بوده و به ایوان های مسدود که شکل اتاق را دارند وصل میگرددند. چندین اتاق پذیرایی و دفتر در ضلع شرقی کاخ وجود دارد که به طور منحصر به فردی برای اهداف مختلف طراحی شده اند. اتاق های طبقه اول یا از طریق درهای بیرونی و یا از طریق دالان ها به هم پیوست میشوند.

اتاق های طبقه دوم برای مقاصد مسکونی ساخته شده اند که توسط راهروهایی به هم مرتبط هستند. در کاخ مرکزی دو مجموعه پلکان وجود دارد که هر دو طبقه را به هم متصل می کند و برج های مدوری به ارتفاع حدود ۱۶ متر برای حفاظت از کاخ مرکزی ساخته شده اند. سلطان محمود و پسرانش مسعود و محمد از این بنا به عنوان استراحتگاه زمستانی استفاده می کردند، زیرا غزنی زمستان های سردی داشت و کاخ مرکزی به عنوان یک ساختمان مسکونی سلطنتی باقی ماند تا اینکه الحاقات دیگری به آن اضافه شد.

کاخ جنوبی:

شالوده این کاخ توسط سلطان محمود گذاشته شد و در زمان سلطنت او تا حدودی تکمیل گردید . پیشرفت کار ساختمانی این قصر پس از مرگ محمود در سال ۱۰۳۰ برای مدت کوتاهی به دلیل جنگ قدرت بین پسرانش مسعود و محمد متوقف گشت. اما تقریباً یک سال بعد، زمانی که سلطان مسعود اول در سال ۱۰۰۳ میلادی سلطان غزنه شد، کار ساختمان قصر دوباره آغاز گردید. در زمان سلطنت او بود که این کاخ به یاد پدرش، سلطان محمود، مرکز تجمع اعیان و امرای

شاهنشاهی غزنه مورد استفاده قرار گرفت . این قصر با شکوه از نظر وسعت بزرگترین کاخ های لشکری بازار است که طول آن در حدود ۱۶۵ متر از شمال به جنوب و عرض آن از شرق به غرب در حدود ۹۵ متر محاسبه گردیده است.

کاخ جنوبی در حدود ۲۵۰ متری جنوب غربی قصر مرکزی قرار دارد. این بنا در ابعاد بزرگ برای نشان دادن قدرت و شکوه سلسله غزنویان ساخته شده بود. در دوران فرمانروایی غوریان که پس از غزنویان رویکار آمدند، کاخ جنوبی وسعت بیشتری یافت. این کاخ دارای سرای مرکزی بزرگ، تالارهای پذیرایی بزرگ و تختگاه بزرگ است که با دیوارهایی قطور، ایوان های مرتفع و تزیینات گچبری و سنگکاری ظریف و طرح های بدیعی از خشت پخته و گچ مزین است. کاخ جنوبی بهترین چشم انداز را به سوی رود هلمند دارد. زیرا برنده های را که پادشاهان غوری اضافه کرده اند این دیدگاه را میسر ساخته است. معماران عصر غوری برای استحکام بیشتر برنده های نزدیک به آب دریا، از خشت پخته شده و پارچه های سنگ استفاده کرده اند. این ساختمان های محافظوی با گذشت قرن ها هنوز در خرابه های کاخ جنوبی قابل مشاهده است. اما بیشتر پایه ها و ستونهای چوبی با گذشت زمان فرسوده شده اند. از قراین چنین به نظر می رسد که در ساخت برنده وسیع قصر از سرطاق های زیادی استفاده به عمل آمده است .

در طی کاوش های باستان شناسی سال ۱۹۵۱ از ویرانه های کاخ جنوبی طرح های برجسته هندسی به شکل مثلث به خط کوفی از زیر توده های خاک بدر آمد .

اما جالب ترین عنصر تزئینی در لشکرگاه تعدادی از نقاشی های دیواری ظریف است که در قسمت های پایین دیوارها نقاشی میشدند . برخی از این نقاشی های دیواری قبل از شروع جنگ های سه دهه اخیر در دهه ۱۹۷۰ در هنگام ریاست جمهوری سردار محمد داوود در موزیم کابل به نمایش گذاشته شد که توجه هنر شناسان را بخود جلب نمود. همچنان موزیم برتانیای مجموعه ای از نقاشی های دیواری عصر غزنوی را در اختیار دارد که در قرن نوزدهم از افغانستان به انگلستان انتقال یافته است .

از سوی دیگر چنانچه از شواهد تاریخی معلوم است علیرغم خصومت بین غوریان و غزنویان، شاهان غوری تلاش میکردند تا دستاوردهای هنری شگفت انگیز عصر غزنویان را بازسازی و حفظ کنند. ازینرو یک تعداد از کتیبه های زیبای کوفی متعلق به عصر فرمانروایی غوریان میباشد. به هرمنوال نقاشی های دیواری و پیکره های زنان و مردان که از تالارهای لشکر گاه کشف گردیده بیانگر موجودیت هنر های ظریفه درین دوره است .

اکثر اتاق ها شامل ادارات دولتی، تالار های تجمع ، اتاق های رهائشی و باغچه های مربوط به حرمسرا در اطراف سرای مرکزی میباشد .سرای مرکزی از نگاه وسعت بسیار بزرگ است و

در حدود ۵۰ متر عرض و ۶۳ متر طول دارد. در سرای مرکزی انبوه مراجعین از دور و نزدیک برای دیدار با پادشاهان غزنوی جمع میشدند. هنوز بقایای ورودگاه اصلی به شکل رواق بزرگی بچشم میخورد و نشانه های از جاده سنگفرش مقابل آن قابل تشخیص است. چندین راهرو بخش های مختلف کاخ را به سرای مرکزی وصل میکند. در ضلع شرقی بنا دو قطار زینه به شکل متناظر در دو طرف ساختمان وجود دارد و دروازه های قوسی به قسمت های خاصی از کاخ باز می شوند.

در دوران غوریان، در ضلع غربی در آنسوی آن دیوار، باغهای وجود داشت که با ایوان های زیبا و حوضچه های مرمرین هشت ضلعی تزئین یافته بود. باغ های غربی در ساحل رود هلمند قرار داشت. در عهد زمامداری شاهان غوری محل رهایشی زنان در کنار رود هلمند انتقال داده شد که منظره بدیعی داشت و تفریحگاه زیبایی برای ملکه ها و شهزاده خانم ها بود. اما بخش مسکونی ضلع شمالی متعلق به دوره غزنویان است که در قسمت مرتفع تپه و دور از بخش اداری ساخته شده است. در ضلع جنوبی تعدادی اتاق یکسان اعمار یافته که برای اهداف اداری و رسمی تعیین شده و یک تالار بزرگ بنام سلام خانه نیز در آنجا وجود دارد.

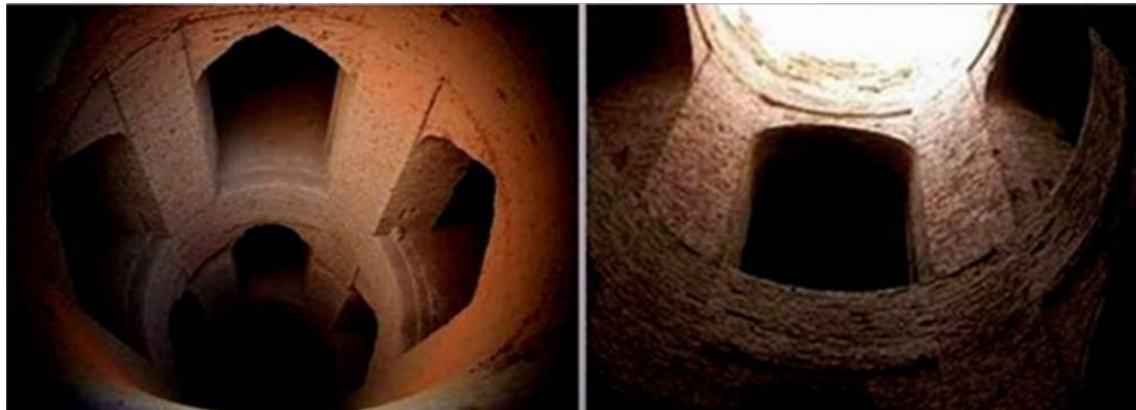
مسجد

مانند هر شهر بزرگ اسلامی، بست باید چندین مسجد داشته باشد. باستان شناسان پایه های برخی از آنها را یافته اند. معمولاً در معماری اسلامی مساجد بر اساس نقشه ای بنا می شوند که مهرباب رو به مکه است و درگاه ورودی به طور سنتی در طرف مقابل مهرباب ساخته می شود. به این ترتیب می توان تشخیص داد که آیا یک بنای باستانی ویران شده مسجد بوده است یا خیر، بخصوص زمانی که اکثر ساخت و سازهای اطراف آن کاملاً ویران شده باشند. در امتداد لبه غربی قلعه پایه های مسجدی شناسایی شده که ابعاد آن به ده متر در ۸۵ متر میرسد. بدیهیست که این طرح غیر متعارف برای پلان یک مسجد انسان را به به فکر می اندازد. در این صورت (مهرباب) باید در مرکز دیوار غربی و درب ورودی در طرف مقابل آن، روی دیوار شرقی اعمار یافته باشد. به هر حال گرچه این طرح غیر معمول است، اما از نظر استفاده از فضا مبتکرانه تلقی میگردد.

چاه لشکرگاه و زینه های ماریچ آن:

در میان پدیده های معماری شگفت انگیز لشکرگاه، خیره کننده ترین آن چاهی با زینه های ماریچ است که در عمق ۱۳۰ فُت چاه فرو می آید. قطر چاه در حدود ۱۸ فُت عرض دارد. چندین اتاق

هنوزگیره های آهنین برای نصب مشعل ها دیده می شود که برای روشنایی استفاده میشدند. دایره هایکه در اطراف دیوار چاه از بالا به پایین ساخته شده اند با قطار زینه های مارپیچ بهم وصل میشوند. در روی دیواره های چاه همچنین جنگک ها و زنجیرهای آهنین بر روی دیوارها باقی مانده که برای آویزان کردن فانوس ها و شمعدان ها بکار میرفتند



مردم محل معتقدند که این چاه یک سیاه چاه زیرزمینی و شاید شکنجه گاه زندانیان سیاسی بوده است. عده ی را عقیده بر این است که محمد برادر مسعود اول در این چاه زندانی بود. لیکن ، شواهد تاریخی نشان می دهد که این چاه یک اتاق شکنجه نبوده، بلکه برعکس، در روزهای گرم تابستان محل استراحت اعیان برای فرار از گرما ی تابستان بوده است. به هر حال چاه لشکر گاه و زینه های مارپیچ آن یک ساختمان معماری شگفت انگیز است که گواهی بر پیشرفت صنعت سنگ تراشی درین عصر را دارد. از قرار معلوم نقبی در این چاه وجود دارد که به دریای هلمند منتهی میگردد.

منابع :

پوهاند عبدالحی حبیبی: بست و لشکرگاه و رواق بست

سایت آریانا افغانستان 08/11/2016

عبدالحسین سعیدیان (۱۳۸۳)، شهرهای جهان، نشر علم و زندگی

Sources:

Allen, Terry. "Notes on Bust". Iran: Journal of the British Institute of Persian Studies 26 (1988): 55-68; 27 (1989): 57-66; 28 (1990): 23-30.

Bivar, A. D. H. "[Review of] Lashkari Bazar: Une Résidence Royale Ghaznévide et Ghoride". Bulletin of

the School of Oriental and African Studies 43-2 (1980): 385-386.

Dupree, Nancy Hatch. 1970. "Lashkar Gah and Bost." In
An Historical Guide to
Afghanistan. <http://www.zharov.com/dupree/chapter17.html>.
[Accessed July 18, 2006, inaccessible
October 8, 2013. Text now available at
https://archive.org/details/azu_acku_ds351_d87_1977]

Fischer, K. "From the Rise of Islam to the Mongol
Invasion." In The Archaeology of Afghanistan: From
Earliest Times to the Timurid Period, edited by F. R. Allchin and N.
Hammond, 311. London: Academic
Press Inc., 1978.

Knobloch, Edgar. "Survey of Archaeology and Architecture in
Afghanistan, Part I: The South-Ghazni,
Kandahar and Sistan." Afghanistan Journal v. 8, iss. 1 (1981):
3-20.

Hillenbrand R. Islamic Architecture: Form. Function and Meaning,
413-414, 488, 579. Edinburgh:
Edinburgh University Press, 1994.

Schlumberger, Daniel, M. Le Berre, J. C. Garcin, and G. Casal.
Lashkari Bazar: Une Résidence Royale
Ghaznevide et Ghoride, 1A. Paris: Diffusion de Boccard, 1963.

پایان